



دیوان عدالت اداری

«فلا تشعوا ألہوی أن تغفلوا»

شماره داندنامه : 140431390001420192  
تاریخ تنظیم : 1404/06/15  
شماره پرونده : 140431920000168201  
شماره بایگانی شعبه : 0400115

هیات تخصصی مالیاتی باتکی دیوان عدالت اداری  
داندنامه

\* شماره پرونده : هت / 0400115

\* شاکی : شرکت دادآفرین دادبه پارسیان و جمعی از وکلای دادگستری و سایرین با وکالت ارژنگ منصوری جوزانی

\* طرف شکایت : بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

\* خواسته : صدور دستور موقت توقف اجرای اطلاعیه (بخشنامه) بانک مرکزی به تاریخ 3/2/1404

گردشکار: شاکی درخواستی را به خواسته ی فوق تقدیم کرده که پس از ثبت، توسط معاون محترم هیات عمومی به این هیات تخصصی ارجاع گردیده است. شاکی ادعا دارد عدم توقف اجرای مصوبه مذکور موجب ورود خسارتی می گردد که جبران آن متعسر است. لذا در وقت فوق العاده، با بررسی محتوای پرونده و استعانت از خداوند متعال به شرح ذیل مبادرت به اتخاذ تصمیم می گردد:

«تصمیم رئیس هیات تخصصی مالیاتی، باتکی»

با ملاحظه مفاد تصمیم مورد شکایت در خصوص ممنوعیت دریافت و واریز وجه به حساب شخص ثالث در معاملات و ایجاد محدودیت در این خصوص نظر به اینکه مستندات ارائه شده دلالتی بر ورود خسارت به نحوی که جبران آن غیرممکن یا متعسر باشد، دارد و همچنین ضرورت و فوریت موضوع نیز محرز می باشد؛ لذا به استناد ماده 36 اصلاحی قانون دیوان عدالت اداری، با پذیرش خواسته شاکیان قرار قبولی دستور موقت به شرح خواسته صادر می گردد. قرار صادره قطعی است.

محمدعلی برومندزاده

رئیس هیات تخصصی مالیاتی، باتکی

دیوان عدالت اداری

مضای صادر کننده

تصویر برابر با اصل است.

نشانی: تهران - بزرگراه ستاری - بلوار شهید مخبري - نبش خیابان ایران زمین - ساختمان دیوان عدالت اداری

## دادخواست بدوی دیوان عدالت اداری

تاریخ تقدیم :

کدرهگیری : ۱۴۰۴۲۲۰۹۶۴۱۰۴۳۴۶

پیوست: ۳ برگ

| مشخصات         | نام                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                              | نام خانوادگی    | نام پدر  | شفا | محل اقامت: شهرستان/بخش دهستان خیابان کوچه پلاک                                                       |
|----------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------|----------|-----|------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| شاکلی          | آرش                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                              | موسی زاده حقیقی | حشمت اله |     | استان فارس - - شیراز - ایبوردی ۲ کوچه مرادی کوچه ۱۶ پلاک ۷۲                                          |
| طرف شکایت      | بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران)                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                  |                 |          |     | استان تهران - شهرستان تهران - تهران - خیابان میرداماد-نبش خیابان پگاه-بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران |
| موضوع شکایت    | تقاضای ابطال مصوبه (اثین نامه ، بخشنامه، دستور العمل دولتی) (ابطال از تاریخ تصویب « مقرر بانک مرکزی مورخ ۳ اردیبهشت ۱۴۰۴ ، که متضمن قاعده الشمول بوده و حکما و راسا اشخاص و آحاد جامعه را مجرم و مشمول مجازات و ممنوعیت ها بانکی تلقی نموده « مغایر با موازین شرعی و قاعده « ملازمه بین حکم عقل و حکم شرع « و قاعده « حرمت در اختلال نظام و نفی اختلال نظام « بوده ، و همچنین با امان نظر از رای اخیرالصدور وحدت رویه دیوان عالی کشور که بیانگر اصل صلاحیت و دادگاه صالح محل رسیدگی ، و به لحاظ مغایرت با اصل ۳۶ و ۳۷ و ۴۰ و ۴۳ قانون اساسی ، ماده ۱۳ و تبصره ۱ ماده ۲ قانون مبارزه با پولشویی ، قانون مجازات اسلامی ( بخش پنجم ، ادله اثبات در امور کیفری ) ، اصل استقلال قضاوت مواد ۵۷۶ و ۵۷۷ قانون مجازات اسلامی ، قانون مدنی ( در قصد طرفین و رضای آن ها ) دستور موقت( صدور دستور موقت به لحاظ سلب آزادی و کیفر و مجازات نمودن غیرقانونی اشخاص جامعه و عدم امکان جبران آن از حیث آسیب های روانی و خدشه وارد شدن به کرامت انسانی و قاعده حرمت اختلال در نظام) |                 |          |     |                                                                                                      |
| دلایل و منضمات | ۱- درخواست استعلام : استعلام از شورای معزز نگهبان به لحاظ مغایرت با قاعده « ملازمه بین حکم عقل و حکم شرع « و قاعده « حرمت در اختلال نظام و نفی اختلال نظام « و دادخواست تقدیمی<br>۲- تصویر مصدق به شماره - مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۰۳                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                       |                 |          |     |                                                                                                      |

## به نام دادگر دادآفرین

ریاست معزز دیوان عدالت اداری

قضات شریف دیوان عدالت اداری

با سلام و تقدیم ادب

احتراما اینجانب آرش موسی زاده حقیقی در راستای احقاق حقوق عمومی و در راستای اصل ۱۷۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ، خاطر روشن ضمیر ذات مقدس قضائی را مستحضر می دارم که : « مقرر بانک مرکزی مورخ ۳ اردیبهشت ۱۴۰۴ ، که متضمن قاعده الشمول بوده و حکما و راسا اشخاص و آحاد جامعه را مجرم و مشمول مجازات و ممنوعیت ها بانکی تلقی نموده « مغایر با موازین شرعی و قاعده « ملازمه بین حکم عقل و حکم شرع « و قاعده « حرمت در اختلال نظام و نفی اختلال نظام « بوده ، و همچنین با امان نظر از رای اخیرالصدور وحدت رویه دیوان عالی کشور که بیانگر اصل صلاحیت و دادگاه صالح محل رسیدگی ، و به لحاظ مغایرت با اصل ۳۶ و ۳۷ و ۴۰ و ۴۳ قانون اساسی ، ماده ۱۳ و تبصره ۱ ماده ۲ قانون مبارزه با پولشویی ، قانون مجازات اسلامی ( بخش پنجم ، ادله اثبات در امور کیفری ) ، اصل استقلال قضاوت مواد ۵۷۶ و ۵۷۷ قانون مجازات اسلامی ، قانون مدنی ( در قصد طرفین و رضای آن ها ) مغایر قانون و خارج صلاحیت مرجع تصویب کننده بوده و تقاضای ابطال از تاریخ تصویب را خواستار می باشم و به همین منظور باذکر یک پیشگفتار به طرح و توصیف ایرادات می پردازم:

دادرسان گرانقدر دیوان عدالت به عنوان عالی ترین مرجع قضایی و عدالت بهتر می دانند، نفس الامری بودن عدالت در کنار مطلق بودن چیزی همانند وضع قانون به وسیله قانونگذار یا رواج آن در عرف جاری جامعه نیست که اعتبار و ارزش پیدا کرده باشد، بلکه اعتبار و مشروعیت همه آن ها از خود عدالت بوده و عدالت نیز تابع خواست و اراده قانونگذار و سلیقه فردی یا جمعی افراد نیست ، بلکه حقیقتی است که ارزش ذاتی و اعتبار نفسانی دارد در نتیجه عدالت ، حقیقتی فراتر از قانون می باشد.

( اولاً - ( اصل برائت - اصل صلاحیت مجازات نمودن افراد )

مستند به رای ۱۴۰۴۳۱۳۹۰۰۱۱۵۹۴۲۷ هیات عمومی دیوان عدالت اداری مورخ ۱۴ مرداد ۱۴۰۴ و مستند به اصل ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در فرضی که هنوز اتهام ثابت نشده و تخلفی احراز نگردیده، اعمال مجازات بر افراد خلاف اصل برانست است و همچنین مستند به اصل ۳۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.

بنابراین کاملاً روشن و واضح است که با عنایت به تفسیر مضیق و به منظور پاسداری از حرمت و آزادی افراد و همچنین اصل عدم صلاحیت و عدم شایستگی کافی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، مقرر فوق بر خلاف قوانین و مقررات بوده و شایسته ابطال از تاریخ تصویب می باشد.

### ثانیا - ( اصل عدم صلاحیت مقام اداری - اصل عدم سلطه گری )

۱) با امعان نظر از بند ۵ اصل ۴۳ قانون اساسی که بیانگر (( منع اضرار به غیر )) توامان با اصل ۴۰ قانون اساسی که متضمن (( هیچ کس نمی تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد )) و همانطور که مستحضرید " اساساً اصل عدم صلاحیت مقام اداری به این معناست که هر مقام یا نهاد اداری در صورتی مجاز به انجام کاری است که قانون صراحتاً یا ضمناً آن مجوز را به او اعطا کرده باشد. به عبارتی " اصل بر عدم صلاحیت است " این اصل از مبانی حقوق عمومی و مادتين ۵۷۶ و ۵۷۷ قانون مجازات اسلامی ( تعزیرات و مجازات های بازدارنده ) نیز قائم بر همین موضوع می باشد که به منظور جلوگیری از سوء استفاده از قدرت و حفظ حقوق شهروندان وضع شده است، در حقوق عمومی، این اصل به عنوان یک اصل مهم در نظر گرفته می شود و به همین دلیل، هرگونه اقدام یا تصمیم یک مقام اداری خارج از حدود صلاحیتش، غیرقانونی و باطل است. (به عنوان مثال، اگر قانونی به وزیری اجازه ندهد که در یک زمینه خاص تصمیم گیری کند، او نمی تواند در آن زمینه تصمیمی بگیرد، حتی اگر آن تصمیم به نظرش درست باشد. این اصل به این دلیل مهم است که از سوء استفاده از قدرت و تضییع حقوق شهروندان جلوگیری می کند).

لذا از مقرر فوق ایجاد سلطه گری کاملاً مشهود است و مغایر با موارد اخیرالذکر بوده و ابطال از تاریخ تصویب تحت استدعاست بدیهی است که به موجب مجموعه ای از قوانین و مقررات از پیش بیان شده و آتی الذکر اصل صلاحیت مجازات و تشخیص مجازات بر عهده مقام قضایی می باشد نه مقام اداری.

۲) - مستند به تبصره ۱ و ۳ ماده ۲ قانون مبارزه با پولشویی : ( هرگاه ظن نزدیک به علم به عدم صحت معاملات و تحصیل اموال وجود داشته باشد مانند آن که نوعاً و با توجه به شرایط امکان تحصیل آن میزان دارایی در یک زمان مشخص وجود نداشته باشد مسئولیت اثبات صحت آنها بر عهده متصرف است. منظور از علم در این تبصره و تبصره (۳) همان است که در « قانون مجازات اسلامی برای علم قاضی » تعریف شده است. ) و همچنین ماده ۱۳ قانون مذکور شروع مجازات را به قانون مجازات اسلامی که صلاحیت مقام قضایی (قاضی) می باشد ارجاع نموده است و مقرر مورد شکایت که راساً به تشخیص و مشمول مجازات کردن پرداخته است مغایر قانون بوده و ابطال از تاریخ تصویب تحت استدعاست.

### ثالثاً \_ ( شرایط اساسی برای صحت معامله - قصد طرفین و رضای آنها )

به موجب بند ۱ ماده ۱۹۰ قانون مدنی اصل بر قصد طرفین و رضای آنها می باشد و به مادامی که مغایر با قانون و موازین شرعی نباشد معتبر محسوب می شود، بدیهی است که تشخیص و عدم تشخیص نیز به موجب ماده ۳ آیین دادرسی مدنی به قضات معزز تفویض شده است.

### رابعاً - ( ادله اثبات در امور کیفری - اصل تشخیص جرم و تحقیقات - مرجع صالح رسیدگی )



## دادخواست بدوی دیوان عدالت اداری

به موجب فصل اول ( مواد عمومی ) از بخش پنجم - ادله اثبات کیفری موضوع قانون مجازات اسلامی تشخیص و عدم تشخیص مجرمیت و ادله اثبات جرم تصریح شده است و در هیچ بخشی از آن مواد قانونی مشمول مجازات نمودن آحاد جامعه و سلب آزادی به شخصیت مقام اداری و دستگاه اجرایی تفویض نشده است.

لذا به موجب ماده ۱۲ قانون دیوان عدالت اداری که بیانگر (عدم صلاحیت مرجع مربوط یا تجاوز یا سوءاستفاده از اختیارات یا تخلف در اجرای قوانین و مقررات ) می باشد ، تقاضای ابطال مقرر فوق مورد تقاضاست.

همچنین به موجب بخش دوم از قانون آیین دادرسی کیفری ، کشف جرم و تحقیقات مقدماتی و تمام صلاحیت های لازم تصریح گردیده است و از طرفی وفق رای دیوان عالی کشور در تاریخ ۲۸ مرداد ۱۴۰۴ با صدور یک رأی وحدت رویه مهم، تکلیف یکی از اختلافات اساسی در رسیدگی به پرونده های مرتبط با جرم پولشویی را روشن کرد. بر اساس این رأی، « دادگاه محل وقوع جرم پولشویی » ، حتی اگر به عنوان دادگاه تخصصی تشکیل نشده باشد، صالح به رسیدگی خواهد بود. بنابراین مقرر بانک مرکزی از این حیث نیز واجد ایراد بوده و مغایر قانون می باشد.

## خامسا - ( قاعده « حرمت در اختلال نظام و نفی اختلال نظام » )

بر اساس آیات و روایات و حکم قطعی عقل می توان گفت یکی از ضروریات مسلم و واجبات مهم در اسلام، حفظ نظام جامعه و زندگی مردم است. قاعده حرمت اختلال نظام از مهم ترین قواعدی است که دربردارنده حکم فقهی حفظ نظام و جلوگیری از اختلال در آن است. قاعده نفی اختلال نظام از جمله ضروریات مسلم اجتماعی فقه امامیه است و فقها در ابواب مختلف فقهی بدین قاعده استناد کرده اند. طبق این قاعده آنچه سبب از هم پاشیدگی هریک از این نظام های اجتماعی یا ضربه به آنها و اختلال در آنها شود، جایز نیست و حفظ هریک از این نظام ها واجب است. حرمت اختلال نظام در سه قلمرو اختلال نظام زندگی اجتماعی، نظام زندگی فردی و اختلال نظام شریعت مورد استدلال قرار گرفته است. اصلی ترین دلیل بر این قاعده، حکم عقل مستقل و ترکیبی از لزوم نقض غرض و قواعد باب تراحم است. تمسک به این قاعده، گاه برای بیان حکمت حکم است که در این موارد، نمی توان از مورد ادله تجاوز کرده یا آن را تخصیص زد و گاه به عنوان دلیل حکم که در این موارد حکم دائر مدار اختلال نظام است. اختلال نظام علاوه بر کاربرد در مرحله امتثال، در مرحله استنباط نیز کارایی دارد و در صورت لزوم اختلال نظام از یک استنباط خاص مانند اشتراط عدالت واقعی، بطلان این استنباط کشف می شود. باید دانست: به حکم عقل، حفظ نظام نیز واجب است و اگر حفظ نظام، متوقف بر ثبوت حکمی مانند حجیت امارات و اصول باشد، عقل حاکم به حرمت اختلال نظام، حجیت را نیز ثابت خواهد دانست. این قاعده در فقه و اصول، کاربست های فراوانی دارد که حجیت اماراتی مانند ظواهر، ید و در دیدگاه برخی تمام امارات عقلایی، همچنین حجیت اصولی مانند برائت، استصحاب، قرعه، اصالة الصحه و... در دیدگاه برخی از عالمان بر این قاعده استوار است.

## خواسته نهایی :

( ۱ ) - النهایه با عنایت به موارد مطروحه از ریاست معزز دیوان عدالت اداری ، قضات شریف هیات عمومی دیوان عدالت اداری تقاضای ابطال از تاریخ تصویب مستند به مادتين ۱۲ ، ۱۳ ، ۸۸ قانون دیوان عدالت اداری مورد تقاضاست.

( ۲ ) - همچنین با عنایت به اینکه مقرر فوق مغایر با قاعده حرمت اختلال در نظام و مغایر اصل برائت و بیانگر مجازات نمودن می باشد و این امر آثار روانی و از بین بردن کرامت انسانی را در پی دارد و جبران آن به هیچ عنوان امکان پذیر نبوده فلذا به موجب دادخواست تقدیمی و ماده ۳۴ قانون دیوان عدالت اداری تقاضا صدور دستور موقت تحت استدعا می باشد.

با تشکر و تجدید احترام